



روزنامه

شرق

www.sharghdaily.ir

چهارشنبه ۷ آبان ۱۳۹۹
• ۱۱ ربیع‌الاول ۱۴۴۲
• ۲۸ اکتبر ۲۰۲۰

سال هجدهم
• شماره ۳۸۵۰
• ۱۲ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۱:۴۸ • اذان مغرب ۱۷:۳۲

اذان صبح فردا ۴:۵۹ • طلوع آفتاب ۶:۲۴

fardashargh@gmail.com

روزنامه‌فرو

پچه‌های مسجدی در منطقه یک تهران در راستای مبارزه با بحران کرونا روزانه ۱ هزار ماسک تولید و در مناطق محروم توزیع می‌کنند. عکس: فاطمه عالی، مهر

تلاوسه‌های کرونایی

بسته‌بندی‌های شیک دانش

محمود برآبادی

است. دانش کلید بسیاری از گرہ‌های ناگشودنی و رازهای سر به‌مهر است. این را فرزانتگان ما پیش‌ازاین بارها گفته‌اند؛ اما این مشکل را می‌شود با صرف وقت و خواندن کتاب و دیدن فیلم و بسیاری ابزار اندیشه‌ورزی دیگر به میزان زیادی برطرف کرد، مشکل اصلی من از دانسته‌های غلطی است که به‌عنوان درست پذیرفته‌ام و ناخواسته به این خاطر که از اساس مثل بعضی‌ها نیاز به

خواسته به این خاطر که خیلی‌ها به من که تشنه دانستن بوده‌ام، آدرس غلط داده‌اند و من که نمی‌دانسته‌ام این آدرس غلط است، آن را به‌عنوان

درست پذیرفته‌ام و ناخواسته به این خاطر که از اساس مثل بعضی‌ها نیاز به دانستن را در خود احساس نکرده‌ام.

ظاهرا دور باطل یا چرخه معیوبی است که مرتب تکرار می‌شود؛ چون من نمی‌دانم چه چیزی درست است و چه چیزی نادرست، نمی‌توانم انتخاب صحیحی داشته باشم و چون انتخاب صحیحی ندارم، نمی‌توانم بر دانسته‌های خود بیفزایم یا به عبارتی ناآگاهی‌هایم را کاهش دهم.

دست‌کم درباره خودم با اطمینان می‌توانم بگویم دوسوم اندوخته‌های فکری‌ام چیزهای غلطی است که من فکر می‌کنم درست است و براساس آنها قضاوت می‌کنم، تصمیم می‌گیرم و عمل می‌کنم. نتیجه‌اش معلوم است. وقتی شما بر مبنای اطلاعات غلط داوری کنید، از ترکستان سر درمی‌آورید.

شگفت آنکه اختیار دنیای ما نه‌تنها در عرصه اقتصادی در دست کسانی است که منافع خود را در کتمان حقیقت می‌دانند؛ بلکه در حوزه اندیشه نیز تعیین‌کننده هستند. مکتب‌های فکری و متفکرانی کارآزموده

دارند و رسانه‌های بی‌شماری که با بهره‌گیری از ابزارهای سرگرم‌کننده و جادوی هنر، افکار و اندیشه‌های نادرست را به‌عنوان حقایق مسلم القا می‌کنند و من که دانش اندک و اطلاعات کمی دارم، همه را می‌پذیرم. آنها مانند دنیای افسانه‌ها، چراغ جادویی

دارند که می‌توانند من را بفریبند و از من آدمی بسازند که ناآگاهانه در خدمت منویات آنها باشم.

این آن چنبره‌ای است که من در آن گرفتار آمده‌ام. برگردم به حرفی که در ابتدای این نوشته زدم. مشکل اصلی من ندانستن نیست، دانستن آن چیزهایی است که اصولا دانش نیست. خرافه‌ها و واقعیتایی جعلی است که در بسته‌بندی‌های شیک «دانش» عرضه می‌شود. در اینجا منظورم از دانش علوم خاص نیست؛ بلکه مجموعه شناخت‌های علمی، هنری و فلسفی است.

چاره چیست؟ چطور می‌شود از این کارزار بی‌امان وارونه‌سازی واقعیت که پروفیسور هراری آن را «استعمار داده‌ها» نام نهاده، برکنار ماند؟ چطور می‌شود از بمباران تبلیغاتی کالاهای تجاری و فرهنگی که شب و روز ادامه دارد، در امان ماند؟

آیا چشم و گوش و دیگر حواسم را گل بگیرم یا سرم را بگویم به دیوار؟

نگاه آفتاب

آموزه‌های عارفان به جمع مطبوعات پیوست و می‌کوشد با رویکردی عقلانی، معنوی و انتقادی،

ذخیره و ظرفیت سنت عرفانی را در سایه نیازها و بایسته‌های انسان امروز بازخوانی کند.

شماره نخست نگاه آفتاب در ۹ بخش همراه با خلاصه مطالب به زبان‌های انگلیسی، عربی و ترکی، در ۳۰۴ صفحه منتشر شده است.

محمدتقی پورنامداریان، نصرالله پورجوادی، مصطفی ملکیان، محمد استعلامی، محمد صنعتی، مقصود فراستخواه، توفیق سبحانی، ابوالقاسم قنایی، سیدحسن اسلامی، ناصر مهدوی، محمدجعفر یاحقی، علیرضا علوی‌تبار، حسین دباغ،

روایت

نقاب آزادی

محمدعزفان نوری

دارد تحت عنوان آزادی بیان، بی‌چون‌وچرا و بدون حدودمز. اکنون اگر بخواهیم رعایت آزادی بیان را از سوی شخص امانوئل مکرون، رئیس‌جمهور فرانسه، بررسی کنیم نکات درخور توجهی پدیدار می‌شود.

در روزهای گذشته، مکرون در مراسمی سخنانی به زبان آورده که نوعی فرصت‌طلبی و کینه‌توزی با آن آمیخته شده بود. مکرون به‌جای آنکه در این مراسم کدورت به‌وجودآمده را تلطیف و اصطلاحا اصلاح‌ذات‌البین کند، در آتش اختلاف‌ها دمید و بسیار ناشایانه و شیطنت‌آمیز باعث موج جدیدی از اسلام‌هراسی غیرمنصفانه در فرانسه شد.اینکه عده‌ای خودسرانه و بدون برگزاری محکمه‌ای عادلانه رأسا اقدام به اجرای حکم مدنظر خود می‌کنند، محکوم و غیراسلامی است؛ اما وقتی در کشوری که خود را پرچمدار آزادی بیان می‌داند، به مقدسات و اعتقادات بخش اعظمی از جهانیان توهمین و هتاکمی می‌شود، باید هزینه‌های پیش‌بینی‌نشده آن نیز پرداخته شود و منتظر اقدامات احساسی و تند هم نباشند.

حال به دو مورد از تناقض‌های آزادی بیان در رفتار مکرون بپردازیم. چندی پیش فیلمی منتشر شد که در یک مراسم عمومی چند جوان، مکرون را با اسم کوچک و صمیمانه خطاب قرار دادند، ناگهان مکرون با برافروختگی به جوان

می‌گوید: «این‌گونه من را خطاب نکن و بگو آقای رئیس‌جمهور».

در کشوری که به مقدسات و اعتقادات براجاتی اهانت می‌شود، چه می‌شود که سردمدار آزادی بیان با یک لحن صمیمانه هم کنار نمی‌آید و برآشفته می‌شود؟

خیرا هم پس از واکنش اردوغان به سخنان مکرون، دولت فرانسه سفیر خود را فراخواند.

این چه آزادی بیانی است که همه شئونات و حریم‌ها را می‌توان دستاویز قرار داد، اما وقتی با رئیس‌جمهور به‌اصطلاح حامی آزادی بیان برخورد می‌کنیم، باید تمامی پروتکل‌های باب میل او رعایت شود؟ چه شده که در یک کشور پیشرفته به‌براحتی می‌شود به ساحت مقدس بهترین مخلوقات‌اهانت کرد، اما به رئیس‌جمهور کشور نه؟! چه شده که در یک کشور، به رحمت جهانیان می‌شود اهانت کرد، اما به دولت آن کشور نه؟! چه شده که در یک کشور به مراد و معشوق قریب به دو میلیارد انسان می‌شود اهانت کرد، اما به رئیس نه‌چندان محبوب آن کشور نه؟!

و این بی‌انصافی‌ها همه هست...

اما محمد، رسول مکرم اسلام(ص)، پیامبر رحمت و دوستی است و روزی که دید مرد هتاک بر سر او زباله نریخت، جوابی حال او شد و به عیادتش رفت. به همین دلیل است که پس از گذشت ۱۴۰۰ سال از آن دوران، با پیشرفت فرهنگ و تمدن بشری، انتظار این‌گونه رفتارهای هتاکانه، جاهلانه و غیرانسانی نیست و طبیعی است که با مشاهده این رفتارها، عشاق محمد(ص) گریان و خشک‌مین شوند.

امید است کشورهایمانند فرانسه که بارها خود را حامی حقوق بشر می‌دانند، بفهمند ضربه‌زدن به اعتقادات بخش زیادی از مردم و جریعه‌دارکردن روح انسان‌ها نیز نمونه‌ای از نقض حقوق بشر است و قانونی در کشور خود تصویب کنند که توهمین به مقدسات آدمیان که خود نوعی سلاح کشتار احساسات ملت‌هاست، ممنوع و غیرقانونی اعلام شود.

پیشخوان

مهدی محبتی، احمد زیدآبادی، نورالدین زرین‌کلک، سروش دباغ، عدنان قسارا اسماعیل‌اوغلو، داوود وفایی، محمد شریفی، محمدرضا جعفری، اصغر دابده، غلامرضا امامی، عنایت‌الله مجیدی، مریم حسینی، قاسم کاکایی، سودابه کریمی و... در این شماره حضور دارند. صاحب‌امتیاز نگاه آفتاب، مؤسسه سروش مولانا و مدیرمسئول آن مریم موسوی است. سیدهدایت جلیلی، امیر یوسفی و پژمان موسوی نیز اعضای شورای سردبیری این نشریه هستند.

الهام فخاری

این روزها بی‌تابی، تپیدگی و زودرنجی ازجمله پیامدهای روان‌شناختی وضعیت همه‌گیری کووید۱۹ گزارش می‌شود. کم‌کم سخن از فرسودگی کاری کارکنان بهداشت و درمان و سازمان خدمات عمومی در میان است. نخستین ماه‌های تجربه زیسته ما در رویارویی با پدیده همه‌گیری کووید۱۹ با رعایت فاصله‌ها و کاستن از رفت‌وآمدها همراه بود. برای خیلی‌ها آن دوران یک تجربه بی‌مانند درخانه‌ماندن و دریافتن حال‌وروز افراد در خانه یا تنهامانده جامعه شد. برخی کلافه شدند و کسانی به بازنگری در باورها، برنامه‌ها و روش‌های خود پرداختند.

کووید۱۹ بخش‌هایی از زندگی ما را کمرنگ و بخش‌های دیگری را برجسته‌تر کرده؛ بدون آنکه خود برگزینیم که چنین تجربه‌ای داشته باشیم. ما ناخواسته با خود، با تنهایی‌مان، با خطر سازبودن خود و برخطربودن دیگران روبه‌رو شده‌ایم. بسیاری از مردم این رویارویی ناگهانی را تاب نیاورده‌اند؛ ولی بیشتر افراد

ابراهیم ایوبی وکیل دادگستری

این هفته فیلمی در فضای مجازی منتشر شد که در آن فردی در خیابان با دستبند به ستونی زنجیر شده و مأمور انتظامی در مواجهه با او از اسپری فلفل و شوکر استفاده می‌کند. خلاصه ماجرا از زبان مقامات استان خراسان رضوی از این قرار است: فردی به نام «مهرداد سپهری» به شهرک حجت، محل زندگی همسر سابق خود مراجعه می‌کند و بعد از درگیری با اهالی محل، فحاشی و تخریب اموال، با حضور پلیس ۱۱۰ دستگیر می‌شود. مأمور پلیس پس از دستگیری از اسپری فلفل و شوکر استفاده کرده که پس از رسیدن به بیمارستان، بازداشتی فوت می‌کند. پرونده‌ای در دادسرای نظامی خراسان رضوی تشکیل و پزشکی قانونی در حال کالبدشکافی و یافتن علت مرگ است.در مواجهه مأمور پلیس و شهروندان احتمال وقوع دو حادثه می‌رود: سربریچی یا «تمَرَد» شهروندان نسبت به مأموران دولت و دیگری تعدی پلیس نسبت به شهروندان. در بخش تعزیرات قانون مجازات اسلامی فصل مستقلی با عنوان «تمَرَد نسبت به مأموران دولت» وجود دارد که به جزئیات مقاومت شهروندان نسبت به مأموران دولتی می‌پردازد. براساس ماده ۶۰۷ قانون مجازات اسلامی هرگونه حمله و مقاومتی که با علم و آگاهی نسبت به مأموران دولت در حین انجام وظیفه آنان به عمل آید، تمرد محسوب و مجازات آن به این شرح است: تمرد با استفاده از اسلحه، یک تا سه سال حبس، تمرد با تهدید به‌کاربردن اسلحه، شش ماه تا دو سال حبس و در سایر موارد سه تا یک سال حبس

هفته‌نوشت

تاب‌آوری تا کجا؟

از دیدار خود گریختند. برخی هم ناباورانه با آن کسی که گویا تاکنون چنین نشناخته بودند، رودرو شدند. رونق و اعتبار کار و پیشه‌های‌مان به هم ریخته است. از کسانی که تکیه‌گاه‌مان بوده‌اند، باید دوری کنیم. هر کسی را که بیشتر دوست داریم، باید بیشتر از او پرهیز کنیم و همواره و بیش از همیشه باید با خود سر کنیم. بی‌تابی‌ها و تنش‌های خیلی از ما از ناتوانی‌مان در شناختن، پذیرفتن، دوست‌داشتن و بالنده‌کردن خودمان ریشه می‌گیرد. در آموزشگاه اگر خیلی چیزها، شمردن و کم و زیادکردن، نوشتن و خواندن، ساختن ابزار و فن آموخته باشیم؛ ولی با خود زیستن را نیاموخته‌ایم. جامعه ایرانی دچار گرفتاری دیرینه دیگری هم بوده که امروز پیامدهایش در این چالش بیش از همیشه نمایان است. از کودکی بسیاری از مردم جامعه ما برای «خودبودن» نکوهش شده‌اند و کم‌کم با هم‌رنگ‌شدن با دیگران دلیری «خودبودن» و «با خودبودن» را از دست داده‌ایم. ما از روبه‌روشدن با این خود چندانکه و چندانیه و خوششتنی که در دل‌الان‌ها در تاریکی‌ها مانده است، درمانده و بهت‌زده‌ایم.

کووید۱۹ برای ایرانیان، از سیاست‌گذار تا سیاست‌مدار، آموزه‌هایی ارزنده‌ای در بر دارد. اگر بدانیم، بخواهیم و بیاموزیم.

حق‌بان

مأمور، معذور نیست

دادسرا و دادگاه عمومی است. طبق ماده ۵۹۷ قانون آیین دادرسی کیفری «به جرائم مربوط به وظایف خاص نظامی و انتظامی نیروهای مسلح به جز جرائم در مقام ضابط دادگستری در سازمان قضائی [نیروهای مسلح] رسیدگی می‌شود». و در تبصره ۴ روشن می‌کند: «جرم در مقام ضابط دادگستری، جرمی است که ضابطان در حین انجام وظایف قانونی خود در ارتباط با جرائم مشهود با در راستای اجرای دستور مقام قضائی دادگستری مرتکب می‌شوند». جرم مشهود جرمی است که در مرئی و منظر عموم رخ می‌دهد. نظر به اینکه در ماجرای شهرک حجت، پلیس در محل حاضر و فرد را حین فحاشی و درگیری در خیابان دستگیر می‌کند، مورد از مصادیق جرم مشهود بوده و مأمور انتظامی به‌عنوان ضابط در صحنه حاضر شده است. همچنین براساس بند (پ) ماده ۲۹۰ قانون مجازات اسلامی، عملی را که نوعا موجب جنایت نمی‌شود؛ ولی درباره زده‌بده خاص به علت ضعف یا بیماری موجب مرگ او می‌شود، مشروط به آگاهی مرتکب، مصداق قتل عمد دانسته است. در نتیجه قتل می‌تواند عمدی تلقی و در دادگاه کیفری یک استان خراسان رضوی رسیدگی شود. آنچه تأسف برانگیز است، تکرار ماجراهای مشابه است؛ از فوت متهم در بازداشتگاه تا تعرض به حیثیت افراد تحت عنوان «اوباش کردانی» و حالا مرگ بر اثر استفاده غیرضروری از اسپری و شوکر. تک‌تک افراد جامعه صرف‌نظر از مجرم‌بودن یا نبودن و جدای از اینکه سوپیشینه کیفری دارند یا خیر، به دلیل کرامت ذاتی انسانی محترم‌اند و چنین رفتارهایی به هیچ عنوانی پذیرفتنی نیست. توجیه‌نکردن یا کم‌اهمیت نشان‌دادن افراد موضوع، در کنار برخورد قاطع فرماندهان ناجا با مأمور خاطی، می‌تواند خاطره‌ای خوب از اقتدار پلیس در هفته نیروی انتظامی به جا بگذارد.

زنان

سرزمینی که کرونا هنوز در آن ثبت نشده است

تلاش می‌شود تعداد آزمایش و سرعت جواب آنها در این منطقه بیشتر شود. امکانات درمانی منطقه کم است و به تخمین دکتر پترسن، ۳۵ تخت مراقبت‌های ویژه بیمارستان عمومی کبیک‌تانی در ایکالوئیت، پایتخت، ظرفیت فقط حدود ۲۰ بیمار کرونا را دارد. در صورت شیوع کرونا، «بیماری از کسانی که نیاز به درمان و بستری پیدا می‌کنند، در نهایت باید به جنوب برده شوند که این فشار دیگری بر سیستم حمل‌ونقل پزشکی ما خواهد گذاشت». بسیاری از جوامع ایئوئیت، چه در نوناووت چه در مناطق دیگر، بالقوه در معرض خطر عفونت‌های نوظهور هستند. عوامل دیگری هم نقش دارند از جمله مسکن نامناسب و ناامن و خانه‌های پرجمعیت که در این قلمرو خیلی شایع است. یک نگرانی دیگر، شیوع بالای سل است. ایئوئیت کاناتامی تایپریت، یک نهاد غیرانتفاعی که نماینده ۶۰ هزار نفر است، می‌گوید ایئوئیت‌ها بیش از ۸۰ درصد جمعیت منطقه را تشکیل می‌دهند و خطر ابتلا به عفونت‌های تنفسی مانند سل در آنها زیاد است. احتمال ابتلا ایئوئیت‌ها به سل ۳۰۰ برابر کانادایی‌های غیروبومی است.

ایسان کانائوک دانش‌جوی ۲۰ساله و مادرش از عفونت تنفسی تجربه شخصی دارند. آنها چند سال پیش به سل مبتلا شدند. خودش ۹ ماه دارو مصرف می‌کشد و مادرش هم مدتی عفونت طولانی در بیمارستان بستری بود. ایان می‌گوید حال هر دو اکنون خوب است ولی مسئله «واقعاً جدی بود». با اینکه کرونا در این منطقه وجود ندارد، او طرفدار رعایت فاصله اجتماعی، محدودشدن گردهمایی‌ها و اجباری‌بودن استفاده از ماسک در کل منطقه است.

می‌گوید به دلیل آسیب‌پذیری بالقوه مردم این منطقه در مقابل کرونا و مشکلات خاص مناطق قطبی، برای اعمال این تدابیر باید تصمیم‌های «نسبتا اساسی» گرفته می‌شد.

حدود ۳۶ هزار نفر در ۲۵ منطقه مسکونی در نوناووت زندگی می‌کنند که در شمال آن اقیانوس منجمد شمالی قرار دارد و در غرب آن «سرزمین‌های شمال‌غرب». این جمعیت‌ها در دو میلیون کیلومتر مربع پراکنده‌اند که حدود سه‌برابر نگراس است. دکتر پترسن قبول دارد که این فاصله‌ها «گاهی اوقات حیرت‌انگیزند». دورافتادی جغرافیایی احتمالا یکی از دلایل نداشتن فرد آلوده به کروناست؛ فقط با

هوایما می‌شود به این جوامع دسترسی پیدا کرد. تقریباً یک ماه پیش، کرونا در معدنچیان یک معدن طلای دوردوست در ۱۶۰کیلومتری مدار شمالگان شیوع پیدا کرد. این کارگران را با هوایما از جنوب به این معدن آورده بودند. این موارد در آمار محل سکونت اصلی معدنچیان لحاظ می‌شوند و به همین دلیل آمار رسمی نوناووت همچنان صفر است. دکتر پترسن می‌گوید این عفونت «تقریبا هیچ فرصتی» برای شیوع در جمعیت منطقه نداشت چون ماه‌ها هیچ رفت‌وآمدی به این معدن نشده بود. هرچند انزوای جغرافیایی ممکن است مفید باشد اما شکلساز هم می‌تواند باشد. در اکثر این جوامع امکان آزمایش کرونا در محل نیست و نمونه‌ها باید به هوایما به جاهای دیگر برده شوند. دکتر پترسن می‌گوید اوایل جواب آزمایش ممکن بود هفته‌ها طول بکشد؛ یعنی از موقعی که باید مبتلا را شناسایی و اقدام کنید «خیلی خیلی عقب هستید». اکنون